از دریچه چشم امیل لودویک: استالین را بشناسید

شجره، حسین

مقایسه استالین با تروتسکی و عقیدهء استالین راجع به«تقدیر»

فن نویسندگی بمناسبت احتیاجات زیاد عصر حاضر تنوع زیادی پیدا کرده و از رمان‏ نویسی و قصه‏پردازی و افسانه‏سرائی گرفته تا نوشتن تاریخ و از همه بالاتر نوشتن«تراجم‏ مشاهیر»باصطلاح مصری‏های عرب و یا ترجمهء احوال باصطلاح قدما و بیوگرافی‏نویسی‏ باصطلاح امروزی عنوان خاصی پیدا کرده است.نویسندگان برای کسب شهرت حد اعلای‏ مجاهدت و فداکاری را بکار می‏برند.امیل لودویک یهودی‏نژاد توانسته است قصب السبق‏ را تا آنجا که نگارنده اطلاع دارم در رشته نوشتن ترجمه احوال از رقبان برباید.

اینمرد که روح بیسمارک و روح ناپلئون را توانسته در پرتو اطلاعات خود تجزیه و تحلیل کند اخیرا شرح‏حالی از استالین نوشته که آقای مشفق همدانی آنرا بفارسی سلیس و روان ترجمه کرده‏اند.

مزیتی که ترجمه احوال و یا بیوگرافی استالین بر بیوگرافی سائر مردان مشهور که‏ این نویسنده نوشته دارد اینست که استالین زنده است و امیل لودویک بقول خودش توانسته‏ سه ساعت با او مصاحبه کند و از این مرد سئوالات متنوعی نماید که بدیهی است بجواب اغلب‏ آنها نتوانسته توفیق حاصل نماید ولی چون استالین را دیده وصف کرده و ناپلئون و بیسمارک‏ را ندیده توصیف نموده است فرق زیادی بین این دو مشهود میباشد.اما چون لودویک یهودی‏ نژاد است و کتابرا هنگامی نوشته که هنوز هیتلر زنده بوده و نسبت بهیتلر کینه داشته نتوانسته‏ زمام قلم را در این قسمت بدست احساسات نسپارد.با وجود این دو نکته کتاب جالب توجه‏ است مخصوصا نقاشی جالبی از دو رقیب ترتسکی و استالین در این کتاب بیشتر خواننده را تحت تأثیر قرار می‏دهد خاصه که خواننده باهمیت هر دو مرد واقف باشد.مثلا میگوید تروتسکی‏ خطیب و نویسنده است اما استالین با ارقام بیشتر سروکار دارد .تروتسکی قادر بود با نطقی مردمی را بهیجان بیاورد ولی استالین قادر است بنیاد عمران کشوری را پی‏ریزی کند و آنقدر حواس جمع کند تا ثمره مجاهده خود را بچشم به‏بیند

نکته‏ای که در آخر کتاب راجع بطرز تفکر استالین در خصوص«تقدیر»می‏نویسد بسیار جالب توجه است.چون میگوید او به«تقدیر»قائل نیست و بآن لبخند میزند.در این‏ مورد انسان بلافاصله بفکر صحبت ناپلئون هنگام قدرت می‏افتد که میگفت غیرممکن وجود ندارد ولی همین ناپلئون روزی دیگر آرزو میکرد در جزیرهء سنت هلن مأمور انگلیسی مراقب‏ او چند دقیقه باو فرصت بدهد که بتواند در کمال آزادی قضای حاجت بکند.